



## پایه‌های آوایی

آموزه دوم:



به شکل زیر نگاه کنید و نظمی را که در صدای حرکت قطار و پی هم آمدن واگن‌ها وجود دارد، به یاد بیاورید.



هنگامی که صدای پیوسته و یکنواخت حرکت قطار در ذهن مرور می‌شود، نظمی را در رفتار و صدای آن، درک می‌کنیم. با کمی درنگ و تأمل در پدیده‌ها و عناصر طبیعی، گونه‌های نظم و سامان در رفتار آنها درک می‌شود؛ مثلاً پی هم آمدن شب و روز، گردش فصل‌ها، حرکت آهنگین عقربه‌های ساعت، حرکت پای دوچرخه سوار و بازگشت متوالی آن به نقطه نخست، موزون و موسیقایی است و نوعی تداوم و تکرار منظم را به چشم و گوش شنونده، می‌رسانند که معمولاً، گوشنواز و دلنشین اند.

کلام منظوم یا شعر هم که آهنگین و موسیقایی است، پایه‌ها و پاره‌های آوایی موزون دارد؛ هماهنگی این پایه‌ها در شعر، به گونه‌ای است که انسان، با شنیدن یا خواندن آنها احساس لذت می‌کند. به هنگام رویارویی با شعر، باید بکوشیم خود را در فضای آهنگین آن قرار دهیم. در خواندن نیز با همان نظم موسیقایی، خوانش آن را پیش ببریم.

بیت‌های زیر را می‌خوانیم:

ای ساریان، آهسته ران، کارام جانم می‌رود / وان دل که با خود داشتیم، با دلستانم می‌رود

من مانده ام مهجور از او، بیچاره و رنجور از او / گویی که نیشی دور از او، در استخوانم می‌رود

محمل بدار ای ساروان، تندی مکن با کاروان / کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می‌رود (سعدی)

ساریان: شتردار / دلستان: دلبر / مهجور: دور / رنجور: بیمار / محمل: کجاوه / ساروان: شتریان / کاروان: گروه مسافران / روان: در حال حرکت / روان: جان /

**بازگردانی:** ای شتردار، آهسته شترها را بران؛ زیرا دلبرم دارد می‌رود و دل من را نیز با خودش می‌برد.

من دور از او مانده‌ام؛ به همین خاطر بیچاره و بیمار شده‌ام. مانند این است که به خاطر دوری از او به استخوانم نیش می‌زنند.

کجاوه را نگه دار ای شتردار. با کاروان تندی نکن؛ زیرا با رفتن دلبرم من می‌میرم.

اکنون همین شعر را بازخوانی می‌کنیم و به آهنگی که از خوانش آن احساس می‌شود، گوش می‌سپاریم:

ای ساریان	آهسته ران	کارام جا	نم می‌رود
وان دل که با	خداش تم	با دل س تا	نم می‌رود



همان گونه که دیده و شنیده می‌شود، با خوانش درست شعر، به درنگ منظم و یکنواختی که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد، پی می‌بریم. پایه‌ها، به گونه‌ای منظم کنار هم چیده شده اند؛ آنها مانند آجرهایی هستند که در ساخت بنای شعر، به کار می‌روند. **وزن شعر در حقیقت حاصل چینش منظم این پایه‌های آوایی یا ارکان عروضی است.**

● **وزن شعر حاصل چیست؟** - حاصل چینش منظم پایه‌های آوایی یا ارکان عروضی است.

اکنون به نمونه‌های زیر و چگونگی شکل‌گیری پایه‌های آوایی و نظم آنها، توجه کنید:

۱- هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد / هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت بر نیارد (سعدی)

هَر کِ چِی زِی	دو ست دا رَد	جانُ دلِ بَر	وی گُ ما رَد
هَر کِ مِجِ را	بَش تُ باشِی	سَر زِ خُل وَت	بِر نَ یا رَد

**بازگردانی:** هر کسی که چیزی را دوست داشته باشد جان و دلش را صرف آن کار می‌کند. هر کس که تو را بپرستد هیچ گاه دست از خلوت تو بر نخواهد داشت.

۲- ز کوی یار می‌آید، نسیم باد نوروزی / از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل بر افروزی (حافظ)

ز کویِ یا	ر می آید	نَ سی مِ با	دِ نُو رو زی
اَ زینِ با دَر	مَ دَدِ خا هی	چَ را غِ دِل	بَ رَفِ رو زی

**بازگردانی:** نسیم باد نوروزی از کوچه یار می‌آید. اگر از این باد کمک بخواهی می‌توانی چراغ دلت را روشن کنی.

۳- خدایا تو دانی که بر ما چه آمد / خدایا تو دانی که ما را چه می‌شد؟ (مولوی)

خُ دا یا	تُ دا نی	کِ بَر ما	چَ آ آمد
خُ دا یا	تُ دا نی	کِ ما را	چَ می شد

**بازگردانی:** ای خدا، تو می‌دانی که چه بلایی بر سر ما نازل شده است. ای خدا، تو می‌دانی که چه اتفاقی برای ما افتاد.

۴- یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا / یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا (مولوی)

یا رَمِ را	غا رَمِ را	عِش قِ جِ گَر	خا رَمِ را
یا رِ تُ یی	غا رِ تُ یی	خا جِ نِ گَهِ	دا رَمِ را

**بازگردانی:** یار برای من است خانه برای من است. عشق جگرخوار برای من است. تو همه چیز منی. سرورم من نگهدار.

با خوانش درست ابیات و جداسازی پایه‌ها (ارکان)، درمی‌یابیم که بعد از هر پایه، درنگی وجود دارد. درنگ‌های پایان هر پایه یا رکن مرز پایه‌های آوایی را به ما نشان می‌دهند. پی هم قرار گرفتن پایه‌های آوایی و درنگ‌هایی که در پایان هر پایه می‌آید، موسیقی و آهنگی را در خوانش بیت‌ها پدید می‌آورد.



چگونگی تفکیک پایه‌ها و خوانش بیت‌ها، نظم دیداری و شنیداری را به ما نشان می‌دهند؛ این نظم سبب درک پایه‌های آوایی و لذت بردن از موسیقی متن می‌شود.

گونه های هجا			
عنوان هجا	نحوه قرار گرفتن	نشانه	نمونه
کوتاه	صامت + مصوّت کوتاه	U	چو (چ)، که (ک)، و
بلند	الف) صامت + مصوّت کوتاه + صامت ب) صامت + مصوّت بلند	-	گل، ستر، دل پا، سی، مو
کشیده	الف) صامت + مصوّت کوتاه + دو صامت ب) صامت + مصوّت بلند + یک یا دو صامت	U-	بُرد، سبّز، چهر دوست، آب، سیب

www.jafarisaeed.ir @JS\_ir @sjafari\_ir  
اینستاگرام: jafari.saeed.ir

## خودارزیابی

۱- با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی یا ارکان آن را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید:

**الف)** ای خوش منادی‌های تو در باغ شادی‌های تو / بر جای نان شادی خورد جانی که شد مهمان تو (مولوی)

ای خُش مُ نا	دی ها ی ت	دَر باغِ شا	دی ها ی ت
بَر جایی نان	شا دی خُ رَد	جانی کِ شُد	مِه ما نِ ت

**ب)** دلم را داغ عشقی بر جبین نه / زبانه را بیانی آتشین ده (وحشی بافقی)

دِ لَم را دا	غِ عِش قی بِر	جِ بَینِ نِه
زَ با نَم را	بَ یا نی آ	تَ شَینِ دِه

**پ)** اسیرش نخواهد رهایی ز بند / شکارش نجوید خلاص از کمند (سعدی)

آ سی رَش	نَ خا هَد	رَ ها یِ	زِ بَند
شِ کا رَش	نَ جو یَد	خَ لا صَرَ	کَ مَند

**ت)** عنکبوتی را به حکمت دام داد / صدر عالم را درو آرام داد (عطار)

عَن کَ بو تی	را بِ جِک مَت	دا مِ داد
صَد رِ عا لَم	را دَ رو آ	را مِ داد



ث) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم / فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم (حافظ)

بِ یا تا گُل	بَ رَفِ شایِ	مُ می دَرِ سا	عَ رَنِ دا زیم
فَ لکِ را سَق	فِ بِشِ کا فِی	مُ طَرَحِی نُو	دَ رَنِ دا زیم

۲- با خوانش درست بیت‌ها، رکن‌های آن را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آن، طَرّاحی نموده، هر رکن را در خانه خود جای دهید.

الف) یا رب از عرفان مرا پیمان‌ه ای سرشار ده / چشم بینا، جان آگاه و دل بیدار ده (صائب)

یا رَبِّ عِر	فانِ مَ را پی	ما نِ ای سَر	شا رِ ده
چَش مِ بی نا	جانِ آگا	هَ دِ لِ بی	دا رِ ده

ب) مکن پیش دیوار غیبت بسی / بود کز پیش گوش دارد کسی (سعدی)

مَ کُنِ پی	شِ دِی وا	رِ عِی بَت	بَ سی
بُ وُدِ کز	پِ یَشِ گو	شِ دا رَد	کَ سی

پ) باران اشکم می‌دود وز ابرم آتش می‌جهد / با پختگان گو این سخن، سوزش نباشد خام را (سعدی)

با را نِ اَش	کَمِ می دَ وُد	وَزِ اَبِ رَ ما	تَشِ می جَ هد
با پُخِ تِ گان	گو این سُنِ حَن	سو زِشِ نَ با	شَدِ خا مِ را

ت) هر کسی را سیرتی بنهاده ام / هر کسی را اصطلاحی داده ام (مولوی)

هَر کِ سی را	سی رَ تی بِن	ها دِ ام
هَر کِ سی را	اِص طِ لا حی	دا دِ ام

ث) مرا گه گه به دردی یاد می‌کن / که دردت مرهم جان می‌نماید (فخرالدین عراقی)

مَ را گَ هَ گَ هَ	بِ دَرِ دِی یا	دِ می کُن
کِ دَرِ دتِ مَر	هَ مِ جانِ می	نِ ما یَد

۳- با توجه به آهنگ بیت‌های داده شده، با ذوق خود، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در خانه‌های

خالی بنویسید.

الف) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست / کی طمع در گردش گیتی دون پرور کنم (حافظ)

مَن کِ دا رَم	دَرِ گِ دا یِی	گَن جِ سَل طَا	نِی بِ دِست
کِی طِ مَعِ دَر	گَر دِشِ گِی	تِی دِونِ پَر	وَر کِ نَم



**ب) من امشب آمدستم وام بگزارم / حسابت را کنار جام بگذارم (اخوان ثالث)**

م بُگ زا رَم	مَ دَس تَمَ وا	مَ نِم شَب آ
م بُگ ذَا رَم	کِ نَا رِ جَا	حِ سَا بَتِ رَا

۴- پیامدهای حمله مغولان را بر زبان فارسی در قرن هفتم بررسی کنید.

به نوعی دچار سستی و نابسامانی گردید؛ چرا که بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته و یا متواری شدند و دیگر از دربارهای ادب دوست و خاندانهای فرهنگ پرور خبری نبود؛ اما در کنار این عوامل مخرب و منفی، در این دوره عوامل مثبتی نیز وجود داشت که رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادیبان و اندیشمندان را موجب شد. با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت و در حوزه‌های ری، فارس، همدان و اطراف آنها آثار ارزشمندی پدید آمد و زمینه‌هایی برای تغییر سبک از خراسانی به عراقی ایجاد شد. در این زمان قالب‌های جدیدی نیز در شعر و نثر پدید آمد.